

افشاگری پالیزدار و آخرین بسته پیشنهاد اتمی

دو رویداد هفته را چگونه می توان در خدمت جنبش مردم تفسیر کرد؟

در هفته ای که گذشت، دو خبر در راس اخبار دیگر قرار داشت. نه آنکه اخباری مانند تظاهرات نسبتاً گسترده مردم مشهد با شعار "مرگ بر گرانی" و "دولت بی کفایت استعفا" و یا جلوگیری از برپائی مراسم 22 خرداد بعنوان روز همبستگی به زنان ایران کم اهمیت باشند، خیر! همه رویدادها مهم اند و باید آنها را دنبال کرد، اما دو خبری که ما روی آن انگشت گذاشته ایم اهمیت ویژه دارند.

1- باصطلاح افشاگری آقای پالیزدار، 2- سفر وزیر خارجه اتحادیه اروپا با پیشنهادات جدید اتمی به ایران.

پیرامون خبر اول، طبیعی است که همه بخواهند بدانند ریشه این باصطلاح پرده دری چیست و کار از کجا آب می خورد و به کجا می خواهد ختم شود. دراین ارتباط نخست باید دانست که آنچه آقای پالیزدار در همدان گفت حرف وسخن تازه و بکری نبود. حتی سایت خبری "تابناک" که نظرات برخی از فرماندهان سابق سپاه را منعکس می کند نیز در مطلبی پیرامون همین مسئله نوشت که (گفتنی است، سایت رسمی اعضای حزب توده- بخوانید راه توده- در اروپا چند سال پیش ادعا کرده بود، قیمت واقعی این کارخانه- لاستیک دنا- ده میلیارد تومان است که احتمال می رود منبع اطلاعاتی عضو ستاد رایحه خوش خدمت-پالیزدار- از اطلاعات حزب توده تأمین شده و وی برای اغراق، مبلغ را شصت برابر اعلام کرده است.) البته تابناک به نعل و به میخ زده بود تا هم به این بهانه "کهنه بودن" افشاگری را نوشته باشد و هم پالیزدار را از اتهام دنباله روی از راه توده بترساند. (برای اطلاع از دو گزارش کامل راه توده دراین ارتباط از شماره های 122 و 123 راه توده دو گزارش را برای باز انتشار در این شماره راه توده استخراج کرده ایم که عناوین آنها در صفحه اول است)

بنابراین، آن که از فساد و چپاول ها در جمهوری اسلامی خبر ندارد خواجه حافظ شیرازی است. ممکن است مردم از جزئیات و اسامی همه باخبر نباشند، اما کلیات را میدانند. بنابراین می ماند آن نکته اصلی. یعنی چرا یکباره آقائی بنام پالیزدار مهر تائید بر آنچه تاکنون به اشکال مختلف افشاء شده بود زد؟ مسئله اینجاست! والا آقای تاج زاده نیز چندی پیش باردیگر پرده از روی بخش کوچکی از فساد و چپاول فرماندهان سپاه - از جمله سردار محصولی مشاور ویژه و وزیر پیشنهادی احمدی نژاد برای وزارت نفت- را بالا زد و در مصاحبه ای اشاره به پرونده نفتی احمدی نژاد- محصولی کرد. پیش از این نیز در مجلس ششم بارها رئیس مجلس از اسکله های قاچاق سخن گفته بود و یا ترانزیت سپاهی مواد مخدر و یا انگیزه واقعی برای دراختیار داشتن فرودگاه خمینی و... بارها مطرح شده است.

از نظر ما، ماجرای افشاگری آقای پالیزدار باز می گردد به آن تقابل رو به رشد و رقابت مالی ناگزیری که میان بخش مهمی از روحانیون حکومتی و فرماندهان سپاه در حال اوج گیری است.

به زبانی بسیار ساده، آن گروه از فرماندهان سپاه که کابینه و دولت تشکیل داده اند، با این اقدام پالیزدار چنگ و دندان به آن روحانیونی نشان دادند که علی لاریجانی را بردند قم و از قم آوردند در راس مجلس. آن روحانیت هم در سه حوزه علمیه قم، مشهد و اصفهان صاحب کرسی و نفوذ است و هم در شورای نگهبان و حتی در کنار رهبر! یعنی ناطق نوری، امامی کاشانی و شیخ محمد یزدی. که اولی مشاور ویژه و رئیس دفتر بازرسی رهبر است، دومی عضو شورای نگهبان و سومی رئیس جدید حوزه علمیه قم. این ترکیب و این اتحاد، علی

لاریجانی را رئیس مجلس هشتم کرد. و هشدار غیر مستقیمی که پالیزدار پیشگام آن شد، برای نشان دادند خط قرمزها بود تا به همین سهم در ساختار قدرت قناعت کرده و هوس تصاحب کرسی ریاست جمهوری را هم نکنند و برای ریاست قوه قضائیه هم که باید بزودی حکمش صادر شود نقشه مستقل نکشند و وارد مذاکره و مصالحه شود! کفن پوشان حرفه ای آیت الله مصباح یزدی هم که به پشتیبانی از پالیزدار در قم وارد میدان شده اند، سیاهی لشکر همین نبرد قدرت و ثروت اند. نبردی که در ماه های اخیر موجب حذف مصباح یزدی از مدیریت حوزه علمیه قم شد و او در پی جبران این ضربه است. ضربه ای که با کنار گذاشته شدن احمدی نژاد می تواند جبران ناپذیر شود و تمام مهره چینی ها در فرماندهی بسیج و نیروی انتظامی و ستادکل نیروهای مسلح و انتخاب وزیر دفاع بهم می ریزد. سهم رهبر در این ماجرا، مانور میان چند جریان و ادامه حکومت است و مستقیم و غیر مستقیم در تمام این بازی های چند سویه خود و عواملش نقش دارند.

البته که از این نبرد قدرت و ثروت، سهم مهمی نیز به مردم و جنبش عمومی و ادامه دار در ایران می رسد. این سهم آگاهی بیشتر و تقویت دو کفه بسیار مهم ترازوی تحولات اساسی در جامعه است. یعنی مردم آگاه شده دیگر توان تحمل ادامه این وضع را نداشته و حکومت را نخواهند و حکومت نیز در بن بستی از تضادهای درونی از یکسو و تضاد در با خواست عمومی جامعه قرار گیرد که دیگر نتواند. این یگانه سود بزرگ افشاگری هاست و "زهر طرف که شود کشته، سود جنبش و مردم است".

بی شک نبرد قدرت و ثروت در جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت و تشدید نیز خواهد شد و در هر دو جریان نظامی و روحانی سران و هدایت کنندگانی خواهد داشت. باید کوشید "سر" سوم، یعنی ترکیبی از توده مردم و فرماندهان و روحانیونی که به آن خواهند پیوست، این گوی را در این میدان ببرد!

اما خبر دوم. یعنی سفر وزیر خارجه اتحادیه اروپا به ایران و بسته پیشنهادی آن که توقف غنی سازی اورانیوم دردل آن جای دارد.

این سفر و این خبر نیز بدلیل آن بازی بزرگی که با ایران و سرنوشت آن میشود اهمیت دارد. یعنی آنها که پیشنهاد بسته بندی کرده و به ایران فرستاده اند بی شک با این اطمینان دست به چنین اقدامی زده اند که رهبر و فرماندهان سپاه در چارچوب سیاست نظامی- اتمی خود این پیشنهاد را - که از پیش اعلام کرده اند آخرین تلاش دیپلماتیک پرونده اتمی ایران است- نیز رد خواهند کرد و آنوقت حجت بر همگان تمام می شود که جز بمباران تاسیسات اتمی و نظامی ایران چاره دیگری نیست. و این تازه نوک کوه یخ است، زیرا از دل این اقدام می تواند جدائی بخش هائی از جنوب ایران و بالا گرفتن جنگ داخلی در کشور بوجود آید. آن "سر" سوم که در پایان پاسخ به پرسش اول به آن اشاره شد، در این زمینه و عرصه نیز باید بتواند نقش آفرینی ملی کند. این نقش آفرینی باید متمرکز باشد بر مخالفت با سیاست نظامی- اتمی و سیاست جنگی حاکم. همانگونه که در ارتباط با افشاگری ها و نبرد قدرت و ثروت میان دو گروه از روحانیون حکومتی و فرماندهان سپاه، "سر" سوم می تواند با دفاع از آزادی و نظارت مردم و مطبوعات بر عملکردهای اقتصادی و سیاسی حکومت لشکر عظیم مردم را برای تحولات ساختاری در جمهوری اسلامی پشت خود بسیج کند. این سر به پشتوانه این لشکر می تواند به مقابله با دو جریان حاکمی برود که در رقابت با هم، تقسیم قدرت و ادامه چپاول مردم و کشور به یکدیگر دندان نشان میدهند!